

پرسش ۷۶: معنای آیه‌ی (که در آن روز شما را از نعمت‌ها بازخواست می‌کنند)

سؤال / ۷۶: ما معنی: (ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) ([162]) ؟

معنی (که در آن روز شما را از نعمت‌ها بازخواست می‌کنند) ([163]) چیست؟

الجواب: النعیم: هم محمد و آل محمد (علیهم السلام) كما ورد عنهم (علیهم السلام) ([164]).

پاسخ: همان گونه که از اهل بیت روایت شده است، منظور از نعمت‌ها محمد و آل محمد (علیه السلام) می‌باشند ([165]).

والسؤال عنهم (علیه السلام) يوم القيامة لعظيم شأنهم نسبةً إلى من سبقهم من الأنبياء والمرسلين، فالأنبياء والمرسلون ومحمد وآل محمد (علیه السلام) أنوار أضاءت الطريق لأممهم، وبهم يعرف طريق الله سبحانه وتعالى، ويميز الحق من الباطل بسيرتهم ونهجهم وحكمتهم وأقوالهم وأعمالهم، ومحمد وآل محمد نور الله سبحانه وتعالى ([166]).

بازخواست در مورد آنها (علیه السلام) در روز قیامت به خاطر شأن و منزلت عظیم آنها نسبت به انبیا و فرستادگان پیش از خودشان می‌باشد. انبیا و فرستادگان و محمد و آل محمد (علیه السلام) انواری هستند که راه را برای امت‌های خویش روشن ساختند و به وسیله‌ی آنها راه خداوند سبحان و متعال شناخته می‌شود و با سیره و اسلوب و حکمت و سخنان و کردار آنها، حق از باطل بازشناخته می‌شود، و محمد و آل محمد نور خداوند سبحان و متعال می‌باشند ([167]).

فهم (علیه السلام) كالشموس التي أضاءت الطريق لهذه الأمة الإسلامية، ولكن للأسف أعرضت الأمة عنهم، ولم تقتد بسيرتهم، أما بقية الأنبياء والمرسلين (علیه السلام)

السلام) فقد كانوا كالشموع التي أضاعت الطريق لأممهم، ولهذا يهدد الله سبحانه وتعالى بأنه سيسأل هذه الأمة عن محمد وآل محمد (عليه السلام).

أنها چون خورشیدهایی هستند که راه را برای این امت اسلامی روشن کردند ولی با کمال تأسف امت از آنها روی برگردانید و به سیره و روش آنها اقتدا ننمود؛ اما بقیه‌ی انبیا و فرستادگان (علیه السلام)، همانند شمع‌هایی بودند که راه را برای امت‌های خود روشن ساختند و از همین رو خداوند سبحان و متعال هشدار می‌دهد که از این امت درباره‌ی محمد و آل محمد (علیه السلام) بازخواست خواهد کرد.

فالطريق الذي يضاء بالشموع ليس كالطريق الذي يضاء بالشموس، والذي يتيه ويضيع طريقه مع أنّ هذا الطريق مضاء بالشموس الطالعة الباهرة، أولى بأن يعاتب ويحاسب ثم يعاقب. وسئل أمير المؤمنين علي (عليه السلام) من الذين بدلوا نعمة الله كفراً؟ فقال (عليه السلام): (دعهم لغيهم هم قريش) ([168]).

راهی که با شمع‌هایی روشن می‌شود همانند راهی که با خورشیدها روشن می‌گردد، نمی‌باشد، و آن کس که سرگردان می‌شود و راهش را گم می‌کند، در حالی که این راه با خورشیدهای روشن و تابان روشن گشته، سزاوارتر است به اینکه مورد حساب و عتاب قرار گیرد، و سپس عقوبت گردد. از امیر المؤمنین (علیه السلام) درباره‌ی کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند پرسیده شد. آن حضرت (علیه السلام) فرمود: (آنها را در بدی هایشان واگذارید؛ آنها قریش هستند). ([169])

وفي زمان الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)؛ قريش: هم الذين يعيشون حول الكعبة في أم القرى مكة، وفي زمان القائم (عليه السلام) قريش: هم الذين يعيشون حول ضريح علي (عليه السلام) في أم القرى في هذا الزمان وهي النجف، ومن قريش في هذا الزمان بعض علماء الدين، وهم الذين يقدم القائم (عليه السلام) خمسمائة منهم فيضرب أعناقهم، ويعيد ذلك ست مرات، كما ورد في الرواية عن أهل البيت (عليه السلام) ([170]).

در زمان رسول خدا قریش کسانی بودند که پیرامون کعبه در ام القرای مکه زندگی می‌کردند و در زمان قائم، قریش کسانی هستند که پیرامون ضریح امام علی (علیه السلام) در ام القرای این زمان یعنی نجف، زندگی می‌کنند. از جمله قریشیان در این زمان، برخی علمای دین هستند؛ همان‌هایی که قائم (علیه السلام) پانصد تن از آنها را پیش می‌آورد و گردن می‌زند و این کار را شش مرتبه تکرار می‌کند؛ همان طور که در روایت از اهل بیت آمده است. ([171])

**وورد في الرواية أنّ القائم (عليه السلام) يفتح مدينة النجف كما فتحت مكة عنوة وبالسيف ويقتل مقاتليها، ويقتل القائم في النجف حتى يرضى الله ([172])، كما ورد في الروايات عنهم (عليه السلام).**

در روایت آمده است که قائم شهر نجف را فتح می‌کند، همانطور که شهر مکه با قهر و شمشیر فتح شد و جنگجویانش را به قتل می‌رساند، و قائم در نجف آنقدر می‌کشد تا خداوند راضی و خشنود گردد؛ ([173]) همان گونه که در روایت اهل بیت (علیه السلام) آمده است.



[162] - التكاثر : 8.

[163] - تكاثر: 8.

[164] - ورد ذلك في أحاديث كثيرة، هذا نموذج منها: (عن جميل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) (عليه السلام) قال: قلت: قول الله: "لتسئلن يومئذ عن النعيم"، قال: تسأل هذه الأمة عما أنعم الله عليهم برسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)، ثم بأهل بيته (عليه السلام)) بحار الأنوار: ج 7 ص 272.

[165] - چنین مضمونی در احادیث بسیاری آمده است؛ به عنوان نمونه: از جمیل از ابو عبد الله (علیه السلام) روایت شده است: روای گوید: عرض کردم: این سخن خداوند متعال: (لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) (که در آن روز شما را از نعمت‌ها بازخواست می‌کنند). فرمود: (این امت از آنچه خداوند به وسیله‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس

با اهل بیتش (علیهم السلام) بر آنها نعمت ارزانی داشته است، بازخواست خواهند شد). بحار الانوار: ج 7 ص 272.

[166] - عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول الله عز وجل: "فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ الَّذِي أَنْزَلْنَا" فقال: (يا أبا خالد النور واللّه الأئمة من آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) إلى يوم القيامة، وهم واللّه نور الله الذي أنزل، وهم واللّه نور الله في السماوات وفي الأرض، واللّه يا أبا خالد لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، وهم واللّه ينورون قلوب المؤمنين...) الكافي: ج 1 ص 194 ح 1.

[167] - از ابا خالد کابلی روایت شده است: از ابا جعفر (علیه السلام) در مورد این سخن خداوند متعال (فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا) (پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم، ایمان آورید) سوال کردم؛ ایشان فرمود: (ای ابا خالد! به خدا سوگند، نور، امامان از آل محمد (علیهم السلام) تا روز قیامت می‌باشد. به خدا سوگند آنها نور خداوند هستند که نازل فرمود. به خدا سوگند آنها نور خداوند در آسمان‌ها و در زمین هستند. و به خدا سوگند ای ابا خالد که نور امام در قلب‌های مؤمنان درخشان‌تر از خورشید تابناک روز می‌باشد و به خدا سوگند آنها قلب‌های مؤمنان را نورانی می‌کنند....). کافی: ج 1 ص 194 ح 1.

[168] - بحار الأنوار: ج 10 ص 124.

[169] - بحار الانوار: ج 10 ص 124.

[170] - عبد الله بن المغيرة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: (إذا قام القائم من آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) أقام خمسمائة من قریش فضرِب أعناقهم، ثم أقام خمسمائة أخرى حتى يفعل ذلك ست مرات. قلت: ويبلغ عدد هؤلاء هذا؟ قال: نعم، منهم ومن مواليتهم) بحار الأنوار ج 52 ص 338.

[171] - عبد الله بن مغیره از ابا عبد الله (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: (هنگامی که قائم از آل محمد (علیه السلام) به پا خیزد، پانصد قریشی را پیش می‌آورد و گردن می‌زند، سپس پانصد تایی دیگر را چنین می‌کند تا آنجا که این عمل را شش مرتبه تکرار می‌کند). عرض کردم: آیا تعداد ایشان این مقدار می‌شود؟ فرمود: (آری، از آنها و از پیروانشان). بحار الانوار: ج 52 ص 338.

[172] - عن أبي جعفر (عليه السلام) في حديث طويل أنه قال: (إذا قام القائم (عليه السلام) سار إلى الكوفة، فيخرج منها بضعة عشر ألف أنفوس يدعون البتريّة عليهم السلاح فيقولون له: ارجع من حيث جئت فلا حاجة لنا في بني فاطمة، فيضع فيهم السيف حتى يأتي على آخرهم، ثم يدخل الكوفة، فيقتل بها كل منافق مرتاب، ويهدم قصورها، ويقتل مقاتليها حتى يرضى الله عز وعلًا) بحار الأنوار: ج 52 ص 338.

[173] - از ابو جعفر (علیه السلام) در حدیثی طولانی روایت شده است که فرمود: (هنگامی که قائم (علیه السلام) به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتریه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: به همان جا که آمده‌ای برگرد، ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. پس شمشیر را در میانشان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد. سپس

به کوفه داخل شده، تمام منافقین شکاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزینشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی گردد). بحار الانوار: ج 52 ص 338.